

## فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۲۲، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۰-۴۶

# دادخواهی از منظر حقوق ایران و سازمان های بین المللی

حسن خانی<sup>۱</sup>

### چکیده

حق دادخواهی شهروندان در شمار حقوق مدنی است. اصول قانون اساسی را اگر از زاویه‌ی متفاوت بنگریم، نقطه‌ی همگانی و همسوی آن، حق حاکمیت مردم برای پاس‌داری از حقوق ایشان است که این دو رکن اساسی و بنیادین را می‌توان در دو فصل سوم و پنجم قانون اساسی دید و بر کارایی آن گواهی داد. در هر جامعه منظم و مبتنی بر ارزشهای اسلامی و اصول دموکراسی تقدس و دادخواهی و حمایت از حقوق و آزادی اساسی مردم بیانگر اعتلای سطح فرهنگ عمومی حاکمیت قانون و عنایت هیات حاکم در توسعه و تضمین امنیت قضایی اجتماع می‌باشد. حمایت از حقوق آزادی‌های اساسی فردی از آن جهت که متضمن تکریم شخصیت و حیثیت انسانی اشخاص محسوب می‌شود حایز اهمیت می‌باشد و اینکه در تثبیت نظم و آسایش و حقوق افراد در سطح ملی و منطقه‌ای و بین المللی نقش بسزایی دارد. از جمله حقوق اساسی که ضامن حراست از سایر حقوق فردی و اجتماعی می‌باشد و تائی قابل توجهی در تامین امنیت قضایی دارد حق دادخواهی زیان دیدگان و متضررین از جبران خسارات وارده از اتفاقاتی است که ممکن است در سطح جامعه یا در سطح بین الملل برای اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و نیز دول رخ دهد. همچنین، در تاکیدات اسلامی نیز دادخواهی نزد کسی که شایستگی قضاوت ندارد جایز نیست و طرح دعوا نزد وی دادخواهی نزد طاغوت به شمار می‌رود که در قرآن کریم از آن به صراحت نهی شده است؛ (نساء: ۶۰) مگر آنکه برای احقاق حق چاره‌ای جز مراجعه به وی نداشته باشد، که در این صورت، بنابر قول مشهور جایز است و هرگاه کسی علیه دیگری نزد حاکم شرع دادخواهی کند، رسیدگی به دعوی او بر حاکم واجب است.

**کلید واژگان:** دادخواهی، حقوق ایران، قانون اساسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر،

<sup>۱</sup> - پژوهشگر دکتری تخصصی حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور و مدرس رسمی کالج بین المللی ابن سینای گرجستان

## ۱- مقدمه

منظور از حق دادخواهی آن است که چنانچه حقوق و آزادی های اساسی فردی شخص در معرض تهدید قرار گرفته و یا به آنها تجاوز شود، می تواند از مراجع صلاحیتدار قانونی درخواست جبران خسارت وارده را نموده و مراجع مذکور بی غرضانه و در کمال استقلال در یک دادرسی عادلانه به ادعای وی رسیدگی کرده و در صورت اثبات رای به جبران خسارت- دهند.

اصل ۳۴ قانون اساسی در خصوص پیش بینی حق مذکور می گوید: (دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد). همچنین در بند ۱ اصل ۱۵۶ یکی از وظایف قوه قضاییه به عنوان مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی، رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدامات لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می کند تلقی و پیش بینی شده است.

از منظر بین المللی نیز هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی مؤثر به مراجع دادرسی از طریق محاکم ذیصلاح ملی در برابر نقض حقوق اولیه ای است که قوانین اساسی یا قوانین عادی برای او برشمرده و به او ارزانی داشته اند. (ماده ۸ اعلامیه) و نیز دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی طرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند. (ماده ۱۰ اعلامیه). در تاکیدات اسلامی نیز دادخواهی نزد کسی که شایستگی قضاوت ندارد جایز نیست و طرح دعوا نزد وی دادخواهی نزد طاغوت به شمار می رود که در قرآن کریم از آن به صراحت نهی شده است؛ (نساء/ آیه ۶۰). مگر آنکه برای احقاق حق چاره ای جز مراجعه به وی نداشته باشد، که در این صورت، بنابر قول مشهور جایز است. (جواهر الکلام ج ۴۰، ص ۳۵). و هر گاه کسی علیه دیگری نزد حاکم شرع دادخواهی کند، رسیدگی به دعاوی او بر حاکم واجب است (کتاب القضاء (گلپایگانی) ج ۱، ص ۳۰۰).

### ۱-۱- مبانی اسلامی و عقلی حق دادخواهی

۱-۱-۱- مبانی حقوق دادخواهی در اسلام

- آیات

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (نور/ آیه ۶۰)

در شان نزول آیات ۵۱ و ۵۲ سوره نور آمده است محمد بن العباس بعد از شش واسطه از کلبی او از ابوصالح و او از ابن عباس چنین نقل نماید که هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه وارد شد، زمین را به علی و عثمان بخشید که بالای زمین مزبور به عثمان و پائین آن متعلق به علی باشد.

علی به عثمان گفت: زمینی که متعلق به من است، بدون ضمیمه به زمین تو مرغوب نخواهد بود. بنابراین یا سهم زمین مرا خریداری کن یا این که سهم زمین خودت را به من به فروش عثمان راضی شد که سهم خود را به علی بفروشد.

علی نیز سهم عثمان را خریداری کرد، دوستان عثمان به وی گفتند: چرا چنین کاری انجام دادی زیرا اگر می خواستی، می توانستی آب را از زمین تو که در بالا قرار گرفته بود به روی زمین علی که در پائین قرار داشت به بندی و زمین علی را از روئیدن و محصول بدست آوردن، مانع شوی و از این طریق زمین خود را به قیمت زیادتری بفروشی.

عثمان نزد علی آمد و از او خواست که زمین را به وی پس بدهد، علی گفت: زمین خود را با میل و رغبت فروختی و من هم آن را خریده ام و در واقع کاری است که انجام یافته است و ممکن است مردی را به عنوان قضاوت بین خود انتخاب نمائیم تا بین ما داوری کند.

قرار شد دعوی خویش را نزد پیامبر ببرند. عثمان گفت: پیامبر پسرعموی تو است باید قضاوت مزبور را نزد دیگری ببریم. علی گفت: کسی را جز رسول خدا صلی الله علیه و آله نخواهم پذیرفت سپس این آیات نازل گردید (تفسیر نور، قرائتی، ۱۳۸۳)

مقام قضا و حقوق حکومت بر جان و مال و عرض و ناموس خلق از جمله حقوق الهی است و خداوند متعال در سوره یونس به صفت خیر الحاکمین و در سوره هود به صفت احکم الحاکمین وصف شده است همچنین برای اعلام علو مقام و جلالت منزلت حق دادخواهی و قضاوت قرآن کریم این طبقه را خلفای خدا معرفی کرده و خطاب الهی را بر داوود بر این گونه حکایت کرده است ای داود ما تو را در زمین به منصب خلافت برداشتیم پس در میان مردم به آیین حق حکومت کن و به دنبال هوای نفس مرو که تو را از راه خدا به بیراهه برد زیرا کسانی که از راه خدا گمراه شوند به علت فراموش کردن روز حساب عذابی سخت در انتظارشان خواهد بود (ص / آیه ۲۶)

-روایات (مبانی فقهی)

الْقُضَاءُ أَرْبَعَةٌ: ثَلَاثَةٌ فِي النَّارِ وَ وَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ: رَجُلٌ قَضَى بِجَوْرٍ وَ هُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ، وَ رَجُلٌ قَضَى بِالْحَقِّ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ

«

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: قاضیان چهار گروهند: سه گروه دوزخی اند و یک گروه بهشتی: مردی که، دانسته، حکم ناحق می دهد، دوزخی است. مردی که ندانسته حکم ناحق دهد نیز دوزخی است. مردی که ندانسته حکم حق دهد نیز دوزخی است، و مردی که دانسته حکم به حق دهد، بهشتی است.

## ۱-۲- مبانی عقلی دادخواهی

### ۱-۲-۱- حراست از حقوق و آزادیهای فردی

حقوقی که جزو لاینفک ذات انسان بوده و ناظر بر شخصیت اوست به حقوق مدنی معروف هست این حقوق در سه طبقه دسته بندی می شود

طبقه اول: حقوق فرد که خود شامل سه قسم است ۱. امنیت شخصی شامل امنیت مسکن آزادی رفت و آمد ۲. آزادی عقاید و آزادی دین ۳. آزادی مالکیت و آزادی تجارت

طبقه دوم: حقوق سیاسی، وقتی که نقش انسان را در قدرت حاکم تعیین می کند مثال بارزش را حق رای دادن گفته اند.

طبقه سوم: حقوق اقتصادی و اجتماعی که شامل سه قسم است ۱. حق تعلیم و تربیت ۲. حق برخورداری از بهداشت ۳. حق

کار

حق دادخواهی از حقوق و آزادی های فردی محسوب می شود در اعلامیه جهانی و پیمان های مربوط به حقوق بشر مورد تایید قرار گرفته است منشاء مشروعیت حق دادخواهی لزوم حفظ و حراست از آزادی های فردی می باشد

### ۱-۲-۲- لزوم اجرای عدالت

عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تمدن خود می شناخته برای استقرار آن کوشیده است عدل و ظلم از جمله واژه هایی هستند که بحث درباره آنها، دامنه ای وسیع دارد. رفتار انسان، از وظایفی که نسبت به خداوند دارد، تا جزئی ترین فعلی که از او در ارتباط با خود با دیگران سر می زند، می تواند مصداق عمل عادلانه و یا ظالمانه باشد.

با این وجود علمای اخلاق بیش از آنکه پیرامون ابعاد نفسانی و آثار فردی این دو صفت بحث کنند، درباره آثار اجتماعی آنها سخن گفته اند. چرا که این دو از اوصاف اولیه نظام های حکومتی و بیانگر وضع امنیت و آسایش مردم در روزگار سیستم اجتماعی و حکومتی عادلانه و یا ظالمانه است.

عدالتی که جزء اصول مذهب است یکی از صفات خداست و در اصل خداشناسی که نخستین اصل از اصول دین است مندرج می باشد، ولی ممتاز ساختن آن بسیار پر معنی است به همین دلیل در مباحث اجتماعی اسلام روی هیچ اصلی به اندازه عدالت تکیه نشده است ( دبیری، محمدی، تکامل اخلاق در پرتو اصول عقاید، ص ۲۱۲)

## ۱-۳- مبانی دادخواهی در حقوق بین الملل

۱-۳-۱- اسناد جهانی

- اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر یک پیمان بین المللی است که در انجمن عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسیده است. این اعلامیه دستاورد مستقیم جنگ جهانی دوم بوده و برای نخستین بار حقوقی را که تمام انسان ها سزاوار آن هستند را به صورت جهانی بیان می دارد، در نتیجه حقوق بشر به حقوقی گفته می شود که همگان در همه زمان ها و مکان ها از آن برخوردارند

اعلامیه یادشده شامل ۳۰ ماده است که به توضیح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق همه انسان ها می پردازد. مفاد این اعلامیه حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی ای را که تمامی انسان ها در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند را مشخص کرده است. منشور بین المللی حقوق بشر از اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دو پروتکل انتخابی آن تشکیل شده است. در سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی دو میثاق یادشده را به تصویب رساند. در سال ۱۹۷۶ هنگامی که منشور بین المللی حقوق بشر توسط تعداد کافی از ملت ها مورد تأیید قرار گرفت، به حقوق بین الملل تبدیل شد. (ویلیامز ۱۹۸۱)

با ملاحظه متن اعلامیه مشاهده میشود که در برخی مواد به تصریح و برخی مواد بصورت ضمنی به حق دادخواهی اشاره شده است

هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی مؤثر به مراجع دادرسی از طریق محاکم ذی صلاح ملی در برابر نقض حقوق اولیه ای است که قوانین اساسی یا قوانین عادی برای او برشمرده و به او ارزانی داشته اند (ماده ۸ اعلامیه)

هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی طرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند. (ماده ۱۰ اعلامیه)

در مواد فوق به تصریح به حق دادخواهی افراد اشاره شده است و در ماده ۲ (همه ی انسان ها بی هیچ تمایزی از هر سان که باشند، اعم از نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگری، خاستگاه اجتماعی و ملی، [وضعیت] دارایی، [محل] تولد یا در هر جایگاهی که باشند، سزاوار تمامی حقوق و آزادی های مطرح در این «اعلامیه» اند) و ماده ۷ (برابری افراد مقابل قانون) و ماده ۹ (منع بازداشت خود سرانه) و بند ۱ ماده ۱۱ (اصل برائت) و بند ۲ ماده ۱۱ (اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها) اشاره شده است

## -میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی یکی از عهدنامه های سازمان ملل متحد بر پایه ی اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این میثاق در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ ایجاد شد و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ برابر با ۳ فروردین ۱۳۵۵ لازم الاجرا شد.

دولت ایران در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۷ این میثاق را امضا و در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ از تصویب گذرانده است و به این ترتیب به آن اعتبار قانونی بخشیده و خود را به آن متعهد ساخته است (ابراهیمی، محمد، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی)

حق دادخواهی نخستین بار در تاریخ بشر بطور رسمی در این میثاق دارای ضمانت اجرای بین المللی شده است مطابق ماده ۴ این میثاق:

هر گاه یک خطر عمومی استثنایی (فوق العاده) موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام بشود کشورهای طرف این میثاق می توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت حتماً ایجاب مینماید اتخاذ نمایند مشروط بر این که تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که بر طبق حقوق بین الملل به عهده دارند مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصر بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود.

حکم مذکور در بند فوق هیچ گونه انحراف از مواد ۶، ۷ (بندهای اول و دوم) ماده ۸، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۸ را تجویز نمی کند.

دولت های طرف این میثاق که از حق انحراف استفاده کنند مکلفند بلافاصله سایر دولت های طرف میثاق را توسط دبیر کل ملل متحد از مقرراتی که از آن انحراف ورزیده و جهاتی که موجب انحراف شده است مطلع نمایند و در تاریخی که به این انحراف ها خاتمه می دهند مراتب را به وسیله اعلامیه جدیدی از همان مجری اطلاع دهند.

همچنین بخش سوم میثاق شامل مواد ۶ تا ۲۷ می باشد که اختصاص به حقوق و آزادی های فردی دارد که ماده ۱۴ بصورت صریح به حق دادخواهی اشاره کرده است و مقرر نموده: همه در مقابل دادگاه ها و دیوان های دادگستری متساویند و هرکس حق دارد به اینکه دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی طرف تشکیل و طبق قانون رسیدگی شود و آن دادگاه در باره حقانیت اتهامات جزایی علیه او و یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات آن در امور مدنی اتخاذ تصمیم نماید.

۱-۳-۲- اسناد منطقه ای

## -اعلامیه اسلامی حقوق بشر

اعلامیه اسلامی حقوق بشر یا اعلامیه حقوق بشر اسلامی یا اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام اعلامیه ایست که توسط سازمان کنفرانس اسلامی در ۱۴ مرداد ۱۳۶۹ (۵ اوت ۱۹۹۰) در شهر قاهره تصویب شد. این اعلامیه، خلاصه ای از

نگاه اسلامی به حقوق بشر فراهم می کند. این اعلامیه معمولاً به عنوان واکنش اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸، تلقی می شود. که نخست در سال ۱۹۸۹ در کنفرانس تهران متن اعلامیه را در ۳۲ ماده نوشتند. اما در سال ۱۹۹۰ زمانی که قرار شد در قاهره تصویب شود با حذف بعضی از مواد نوشته شده در کنفرانس تهران و یا با جا به جایی بعضی مواد سرانجام در ۲۵ ماده تصویب شد.

کشورهای برجسته اسلامی مانند ایران، سودان و عربستان سعودی، بارها اعلامیه جهانی حقوق بشر را به خاطر عدم در نظر گرفتن زمینه فرهنگی و دینی کشورهای غیر غربی مورد انتقاد قرار می دادند. در سال ۱۹۸۱ نماینده ایران در سازمان ملل موضع کشورش را در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین بیان کرد: این اعلامیه یک «برداشت سکولار نسبی گرایانه از فرهنگ یهودی-مسیحی» است که نمی تواند توسط مسلمانان بدون تجاوز از قوانین اسلامی اجرا شود. در سال ۱۹۹۰ اعضای سازمان کنفرانس اسلامی اعلامیه اسلامی حقوق بشر را تصویب کردند.

در سال ۱۹۹۲ این اعلامیه حقوق بشر اسلامی به کمیته ی حقوق بشر سازمان ملل ارائه شد و به شدت توسط کمیته ی بین المللی قضات محکوم گردید این اعلامیه پس از ۳۰ سال مورد بازنگری قرار گرفت و در نوامبر ۲۰۲۰ تحت عنوان "اعلامیه قاهره سازمان همکاری اسلامی در مورد حقوق بشر" در نیامی، نیجر به تصویب رسید.

ماده نوزدهم اعلامیه حقوق بشر اسلامی یا اعلامیه قاهره بیان میکند که:  
الف. مردم در برابر شرع مساوی هستند. در این امر حاکم و محکوم نیز باهم برابرند.

ب. مراجعه و پناه بردن به دادگاه حقی است که برای همه تضمین شده است.

ج. مسؤولیت در اصل شخصی است.

د. هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر به موجب احکام شریعت.

هـ. متهم، بیگناه است تا این که محکومیت اش از راه محاکمه عادلانه ای که همه تضمینها برای دفاع از او فراهم باشد،

ثابت گردد (<https://www.dadsarayar.com/ghanoon/۱۱۵۵۳>)

- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

کنوانسیون برای حفاظت از حقوق بشر و آزادی های اساسی یک معاهده بین المللی برای حفاظت از حقوق بشر و آزادی های اساسی در اروپاست، که در سال ۱۹۵۰، پیش نویس آن توسط نهاد نوبنیاد شورای اروپا تهیه، و در سوم سپتامبر ۱۹۵۳ لازم الاجرا شد.

تمام اعضای شورای اروپا عضو این کنوانسیون هستند، این کنوانسیون دیوان اروپایی حقوق بشر را تأسیس کرد. هر فردی که حس می کند حقوقی که به موجب این کنوانسیون از آن برخوردار است، توسط یک دولت عضو، نقض شده است، می تواند در این دیوان طرح دعوا کند. چنانچه قضات این دیوان نقض مورد ادعا را بر دولت های مرتبط الزام آور تشخیص دهند، این دولت ها متعهدند که نقض یادشده را مرتفع کنند.

کمیته وزیران شورای اروپا بر اجرای احکام این دیوان نظارت دارد؛ به ویژه برای اطمینان از پرداخت مبالغی که توسط دیوان برای پرداخت به مدعیان، جهت جبران خسارت هایی که متحمل شده اند، تعیین شده است.

تأسیس این دیوان، برای حفاظت از افراد در برابر نقض حقوق بشر، یک ویژگی نوآورانه برای یک معاهده ی بین المللی درباره ی حقوق بشر به شمار می رود؛ چنان که به افراد یک نقش فعال را در عرصه ی بین المللی می دهد کنوانسیون اروپایی کماکان تنها موافقت نامه ی بین المللی حقوق بشری است که چنان درجه ی بالایی از حفاظت فردی را مهیا می کند. دولت های عضو هم چنین می توانند علیه دیگر دولت های عضو طرح دعوا کنند؛ اگرچه این قدرت به ندرت مورد استفاده قرار می گیرد.

این کنوانسیون پروتکل های متعددی دارد، که چارچوب آن را بهبود می بخشد. مهمترین ماده این کنوانسیون که حق دادخواهی را به رسمیت می شناسد ماده ۶ آن میباشد که بشرح ذیل بیان میکند

#### ماده ۶- حق برخورداری از محاکمه ی عادلانه

۱- هر شخص در تعیین حقوق و تعهدات مدنی خود یا هر نوع اتهام جنایی علیه وی حق دارد از یک جلسه ی استماع دادرسی در محدوده ی زمانی مناسب توسط دادگاه قانونی مستقل و بی طرف برخوردار باشد. نتیجه ی دادرسی باید به صورت عمومی اعلام شود. با این حال، ممکن است مطبوعات و عموم مردم از شرکت در تمام یا بخشی از جلسات محاکمه به دلایل اخلاقی، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه ی مردم سالار که رعایت مصالح جوانان یا حفاظت از حریم خصوصی طرف های دعوا ضروری است یا در مواردی که به تشخیص قطعی دادگاه، اعلان عمومی آن مضر مصالح عدالت شناخته شود.

۲- هر شخصی که متهم به ارتکاب یک جرم جنایی است تا زمانی که جرم وی به طور قانونی اثبات نشده، باید بی گناه تلقی شود.

۳- هر شخصی که متهم به ارتکاب یک جرم جنایی است از حداقل حقوق ذیل برخوردار است:

۱- سریعاً و به زبانی که آن را درک کند از ماهیت و دلیل اتهامات مطروحه علیه وی به صورت مشروح آگاه شود؛

۲- زمان و امکانات کافی برای آماده سازی دفاعیه ی خود را داشته باشد؛



۳- دفاع از خود به وسیله ی خودش یا از طریق دستیار حقوقی انتخاب شده توسط وی یا در صورتی که قادر به پرداخت هزینه های مربوط به استخدام دستیار حقوقی نباشد، دادگاه به اقتضای مصالح اجرای عدالت، دستیار مربوطه را به صورت رایگان در اختیار وی قرار دهد.

۴- بازجویی از شاهدی که بر علیه شخص می خواهد شهادت بدهد و حاضر کردن و بازجویی کردن از شاهدی که به نفع وی شهادت می دهد تحت شرایط مشابه با شاهد مخالف شخص.

۵- در صورتی که متهم نمی تواند زبان مورد استفاده در دادگاه را درک کرده یا آن را صحبت کند، مترجم رایگان در اختیار داشته باشد. ( <https://www.dadsarayar.com/ghanoon/11553> )

## ۲- اصول بنیادین دادخواهی

### ۲-۱- استقلال قوه قضاییه و قضات

در حقوق موضوعه:

در اصول ۵۷ و ۱۵۶ قانون اساسی ایران استقلال قوه قضاییه پیش بینی شده است و برای تحقق هدف استقلال قوه قضاییه وزیر دادگستری به عنوان عضو کابینه و نماینده قوه مجریه از دخالت در امور قضایی و دادگاهها ممنوع است و به موجب اصل ۱۶۰ قانون اساسی صرفاً بر اساس تفویض رئیس قوه قضاییه می تواند دارای اختیاراتی باشد. وفق اصل مذکور وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضاییه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد. مطابق اصل ۱۵۸ قانون اساسی مسئولیت ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل ماموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری طبق قانون با رئیس قوه قضاییه می باشد

فلسفه استقلال قوه قضاییه جلوگیری از اعمال دادرسی منصفانه و عادلانه دیگر در سرنوشت قضایی اشخاص و همچنین اخلال در ترتیب یک دادرسی منصفانه و عادلانه میباشد به علاوه قاضی نیز در استنباط و ارائه نظر قضایی در پرونده امر کاملاً آزاد است و از هیچ مقامی جز حکم قانون و وجدان پاک و بی آرایش خود تبعیت نمی کند، زیرا اگر قاضی تحت نفوذ و اراده اشخاص رای دهد بدون تردید امکان بی طرفی در قضاوت منتفی گردیده و انحلال جدی تر بر حق دادخواهی و دفاع وارد خواهد شد. از این حیث اصل ۱۶۴ قانون اساسی امنیت شغلی قضات تامین گردیده است اصل مزبور مقرر می دارد: قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است بطور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل و انتقال دوره ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون

تعیین می کند صورت می گیرد. ( هاشمی - سید محمد، تقریرات درسی بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه قانون اساسی ج. ۱، ۸۱ ص ۵)

- استقلال قوه قضاییه و قضات در اسناد بین الملل:

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر استقلال قضات سیستم رسیدگی کننده را حایز اهمیت دانسته است

۴-۲ سهولت دسترسی به دادگاه صلاحیتدار:

۴-۲-۱ در حقوق موضوعه

توانایی دسترسی به مراجع قضایی به ویژه دادرها و دادگاههای از اصول مهم و مقدماتی دادرسی عادلانه است. دادرسی عادلانه هنگامی معنا پیدا می کند که پیش از آن، امکان دسترسی به مراجع قضایی و به دیگر سخن، دسترسی به دادگستری فراهم باشد. از این روی است که مهیا کردن امکان دسترسی به دادگاه و دادگستری را برای فرد فرد مردم، یک حق اساسی شمردند. حق دسترسی به دادگستری مفهومی بهتر از حق دسترسی به دادگاهها است. چون برقراری عدالت و دادن حقوق تضییع شده افراد به آنها، الزاما از طریق دادگاه صورت نمی گیرد و بلکه گاه از طریق داوری، میانجیگری، کدخدانمشی به عمل می آید. بنابراین قوه قضاییه و دولت در مفهوم عام آن، می تواند زمینه اجرای چنین روشی را از طریق وضع قوانین مناسب فراهم نماید.

برخی از این موضوع تحت عنوان «اصل دسترسی به دادگستری و عدالت» یاد کرده اند و آن را مجموعه عوامل حقوقی و سازمانی سیستم عدالت مدنی برای ارائه خدمات قضایی قابل دسترس و مؤثر تعریف نمودند. (حبیبی درگاه، بهنام، «مفهوم اصل دسترسی به دادگستری، ویژگی و جلوه های آن/ ۱۳۹۷) ز ویژگی های دسترسی به دادگستری، اصل دسترسی آسان که جلوه های از دموکراسی آیینی نام گرفته، اصل دسترسی آسان و اصل دسترسی سریع را می توان نام برد. ( حبیبی - بهنام، پیشین ص ۶۶ )

مراد از حق دسترسی به دادگاهها و دادگستری، در وهله نخست امکان تظلم و دادخواهی آحاد مردم و سکنه یک سرزمین به دادگستری برای حمایت قضایی از آنها و احقاق حقوق قانونی آنان است و در وهله دوم، جلوگیری از احقاق حق شخصی و مالاً تمیز حق و فصل خصومت بر اساس یک دادرسی عادلانه و توسط یک مقام قضایی بی طرف است

۴-۲-۲ عدم جواز تاثیر یا استنکاف قاضی در رسیدگی به دادخواهی: از جمله اصولی که مشخصاً حق دادخواهی را تضمین می کند اصل ۱۶۷ قانون اساسی است. اصل مذکور می گوید (قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در

قوانین مدونه بیاید و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های باز دارنده) مصوب سال ۷۵، در مقام تعیین ضمانت اجرای کیفری برای اعمال اصل مزبور مقرر می دارد: ( هر یک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود و با وجود این که رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را بر خلاف قانون به تاخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول از شش ماه تا یکسال و در صورت تکرار بر انفصال دائم از شغل قضائی محکوم می شود و در هر صورت به تادیه خسارت وارده نیز محکوم خواهد شد).

از صراحت اصل ۳۴ قانون اساسی که مقرر داشته است هر کسی می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید و همه افراد ملت حق دارند که اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند، مشخص می شود که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است که دادگاههای صالح را به منظور تامین حق دادخواهی و دفاع اشخاص تدارک دیده و در دسترس آنها قرار دهد منظور از دادگاه صالح وفق اصل ۱۵۹ قانون اساسی دادگاهی است که به حکم قانون تشکیل شود دادگاهی که به حکم قانون تشکیل میشود (مجد زاده - غزال، دادرسی عادلانه مفهوم و سازوکارها، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۳) پ

-در اسناد بین الملل

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۱۴ و ۹ و ۱۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز به تصریح در باب سهولت دسترسی به دادگاه صلاحیتدار سخن گفته اند

در باب اینکه رسیدگی باید در دادگاه مستقل صورت پذیرد اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز بصورت مصرح ضرورت وجود دادگاه مستقل را متذکر شده است.

دادگاه بی طرف نیز از جمله موارد مهم در تضمین حقوق بنیادین است که متأسفانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ساکت هست در فقه و قانون موضوعه جهات رد دادرسی را در باب بی طرفی دادگاه و جلوگیری جانبداری از اصحاب دعوی مورد اشاره قرار داده اند در همین خصوص ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز تأکیدی دارد.

## ۲-۲- علنی بودن محاکمات

علنی بودن محاکمات موجب نظارت مردمی بر جریان برگزاری محاکمه و در نتیجه تضمین حقوق دادخواهی و دفاع است.

سابقه تاریخی دادرسی ها نشان داده است که سری بودن رسیدگی در دادگاهها منجر به تضییع حقوق اشخاص گردیده است اصل ۱۶۵ قانون اساسی به خصوصیت لازم الرعایه علنی بودن رسیدگی در دادگاهها پرداخته و مقرر می دارد: ( محاکمات علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کند که محاکمه علنی نباشد در صدر اصل ۱۶۸ دگر باره خصوصیت علنی بودن محاکمات در رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی مورد تاکید قرار گرفته است.

بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و بند یک ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و قسمت اخیر پاراگراف ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص علنی بودن محاکمات تصریح دارد (هاشمی-سید محمد-پیشین ص ۴۹۱)

## ۲-۳- مستدل و مستند بودن احکام دادگاهها

احکام باید موجه و با اصول و موازین حقوقی و فقهی هماهنگ باشد قاضی باید قانون حاکم بر دعوی را در دادنامه ذکر نماید صدور آرا قضائی براساس موازین حقوقی و قضائی در یک جامعه بیانگر حمایت و حساسیت قضات نسبت به حقوق اساسی افراد است. اعمال ترتیب مذکور موجب آن است که اگر دعوی خواهان یا متضرر از جرم رد شده است بتواند با تنظیم لایحه تجدید نظر خواهی از حقوق دفاع نموده و در نتیجه حق دادخواهی تضمین شود و همین طور چنانچه متهم در اصداری محکوم شده باشد باید استدلال دادگاه در توجیه محکومیت و قانون مورد استناد را درک کند تا در صورت اعتقاد به بی گناهی نسبت به محکومیت خود در مراجع عالی اعتراض نماید. اصل ۱۶۶ قانون اساسی در موردپیش بینی خصوصیت مذکور مقرر می دارد: احکام دادگاههای باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصول باشد که براساس آن حکم صادر شده است.

بند ۴ ماده ۹ و بند ۵ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز ماده ۲ پروتکل ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مستند و مستدل بودن و حق تجدیدنظر خواهی از احکام و آرا را مقید شده است (موذن زاده-حسنعلی, ۷۸)

## ۲-۴- حق داشتن وکیل دعاوی

از جمله اصول مهمی که قانون اساسی به منظور تضمین هر چه کاملتر حق دادخواهی و دفاع پیش بینی نموده است حق داشتن و انتخاب و کیل در دعاوی مطروحه در دادگاهها از سوی طرفین دعوی و دفاع می باشد. اصل ۳۵ قانون اساسی در این زمینه مقرر می دارد: در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود و کیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب و کیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین و کیل فراهم گردد.

با عنایت به اطلاق اصل ۳۵ در خصوص ضرورت تعیین و کیل تسخیری جهت طرفین دعوی اعم از خواهان یا متضرر از جرم و خوانده یا متهم در دعاوی مدنی و کیفری در دادگاهها صرفنظر از نوع مجازات جرم مورد اتهام در دعاوی کیفری و میزان خواسته در دعاوی مدنی در صورت فقد امکانات مالی آنان در انتخاب و کیل دولت باید در جهت اجرای اصل گامهای موثر و اساسی بر دارد.

بمنظور تضمین هر چه بیشتر حق انتخاب و کیل تبصره ۲ ماده واحده انتخاب و کیل توسط اصحاب دعوی مصوب دیماه ۱۳۶۹ مقرر می دارد: هر گاه به تشخیص دیوان عالی کشور محکمه ای حق و کیل گرفتن را از متهم سلب نماید حکم صادره فاقد اعتبار بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می باشد. (طباطبایی مومنی، منوچهر، ۷۲: ۹۰)

همچنین بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و جزء سوم از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک حق داشتن و کیل را به رسمیت شناخته است

## ۲-۵- جبران خسارت طرفین دعوی در صورت تفسیر یا اشتباه قاضی

اصل ۱۷۱ قانون اساسی می گوید: هر گاه طرفین در اثر تقصیر یا اشتباه در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاصی ضرر مالی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تفسیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت بوسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد

اصل مذکور از جمله اصول بسیار مترقی قانون اساسی ما در تضمین حقوق دادخواهی و دفاع است به موجب مفاد آن احراز سونیت قاضی در ایجاد خسارت به طرفین دعوی و دفاع بمنظور اثبات تقصیری وی ضروری است و چنانچه این مطلب احراز شود، قاضی باید خسارات ذینفع را شخصاً بپردازد. و اگر سونیت قاضی احراز نشود و در عین حال به لحاظ اقدامات توأم با حسن نیت او اشتباهی رخ داده و احد از طرفین دعوی و یا هر دوی آنها و یا شخص دیگر متضرر شود خسارات وارده باید از طریق بیت المال جبران گردد این اصل متخذ از فقه امامیه است. (هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی ج. ۱، ص ۵۴۴)

بنابراین در اجرای مواد و اصول مترقی مذکور قانونگذار عادی باید نحوه دادرسی و شیوه درخواست جبران خسارت و مرجع مورد درخواست و بالاخره مورد نیاز را در این خصوص پیش بینی کند.

اجرای چنین مقررات اولاً باعث افزایش احتیاط و دقت قضات در جریان تحقیق و رسیدگی دعاوی در جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص است و ثانياً به طرفین دعوی و دفاع اطمینان می دهد که در صورت تضییع حقوق دادخواهی و دفاع به لحاظ تقصیر یا اشتباه قضات موضوع جبران خسارات در هر حال مقرر و پیش بینی شده است.

بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند یک ماده ۴ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به لزوم جبران خسارت اشاره نموده است

## ۲-۶- اصل برائت

از اصول مهم حقوق مدنی و کیفری که متضمن حفظ شرافت و حیثیت افراد جامعه و مانع تجاوز به حقوق شهروندان در جامعه مدنی متمدن است، اصل برائت می باشد به موجب مفاد اصل مزبور در حقوق مدنی فرض بر برائت ذمه شهروندان نسبت به همدیگر است.

ماده ۳۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی در مقام بیان تقریر اصل مذکور چنین می گوید: (اصل برائت است بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند والا مطابق این اصل حکم به برائت مدعی علیه خواهد شد). در حقوق کیفری اشخاص برخوردار از فرضیه بی گناهی هستند به این معنی که اصل بر عدم ارتکاب رفتار مجرمانه توسط شهروندان است مگر اینکه بر حسب مورد شاکی خصوصی و مقام تعقیب جامعه و یا در جرایمی که صرفاً جنبه عمومی دارند مقام تعقیب بتوانند با قرائن و دلایل کافی نزد دادگاه صالح و بی طرف و در یک دادرسی منصفانه که کلیه حقوق دفاعی شخص در آن تضمین گردیده، خلاف آنرا نسبت به طرف دعوی خود ثابت کنند.

اصل ۳۷ قانون اساسی در خصوص پیش بینی اصل فوق الذکر مقرر می دارد: (مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد).

ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای باز دارنده) سال ۷۵ به تعیین ضمانت اجرای کیفری اصل برائت پرداخته و اشعار می دارد: (هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مامورین ذیصلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزائی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفعال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد).

اصل قانونی بودن جرم و مجازات: از جمله اصول مهم دیگر حقوق کیفری که همانند اصل برائت ضامن حراست از حقوق و آزادی های اساسی فردی شهروندان جامعه متمدن مدنی است اصل قانونی بودن جرم و مجازات می باشد اصل مزبور تحت عنوان قاعده عقاب بلا بیان مورد تایید فقهای اسلام نیز است. به موجب مفاد عنوان فوق الذکر هیچ فعل و ترک فعلی یا بطور کلی رفتاری دارای وصف مجرمانه و قابل مجازات یا اقدام تامینی نیست، مگر آنکه قبلاً از سوی مقنن دارای وصف مذکور گردیده و طی تشریفات مقرر قانونی به مردم ابلاغ شده است.

اصل ۳۶ قانون اساسی مبادرت به پیش بینی اصل قانونی بودن مجازات ها نموده و می گوید: (حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد).

در خصوص اصل قانونی بودن جرم اصل ۱۶۹ قانون اساسی مصرح است به اینکه (هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود). (آشوری - محمد، مجموعه مقالات عدالت کیفری، / ۷۶ ص ۱۳۵

## نتیجه گیری

حق دادخواهی شهروندان در شمار حقوق مدنی است. در هر جامعه منظم و مبتنی بر ارزشهای اسلامی و اصول دموکراسی تقدس و دادخواهی و حمایت از حقوق و آزادی اساسی مردم بیانگر اعتلای سطح فرهنگ عمومی حاکمیت قانون و عنایت هیات حاکم در توسعه و تضمین امنیت قضایی اجتماع می باشد. حمایت از حقوق آزادی های اساسی فردی از آن جهت که متضمن تکریم شخصیت و حیثیت انسانی اشخاص محسوب می شود حایز اهمیت می باشد و اینکه در تثبیت نظم و آسایش و حقوق افراد در سطح ملی و منطقه ای و بین المللی نقش بسزایی دارد و در تاکیدات اسلامی نیز دادخواهی نزد کسی که شایستگی قضاوت ندارد جایز نیست و طرح دعوا نزد وی دادخواهی نزد طاغوت به شمار می رود که در قرآن کریم از آن به صراحت نهی شده است؛ مگر آنکه برای احقاق حق چاره ای جز مراجعه به وی نداشته باشد، که در این صورت، بنابر قول مشهور جایز است و هر گاه کسی علیه دیگری نزد حاکم شرع دادخواهی کند، رسیدگی به دعوای او بر حاکم واجب است.

همچنین در نظام دادرسی اسلام راجع به خطای حاکم شرع و جبران خسارات وارده بر متهم مواردی بیان شده است چنانچه حاکم شرع براساس شهادت شهود حکم به اجرای حد صادر کرده و بواسطه آن محکوم علیه کشته شود، آنگاه فسق شهود روشن گردد؛ در اینصورت دیه قتل به عهده بیت المال است

در اسناد بین المللی مکرراً بصورت صریح و ضمنی بر حق دادخواهی افراد تاکید شده است و بعنوان حقوق اولیه و مسلم افراد از آن یاد شده است که تبلور و نمود خارجی ارزش گذاری برای افراد جامعه می باشد گرچه قواعد بین المللی در قیاس

با قوانین داخلی ضمانت اجرایی کافی و لازم راندارد ولی گاهی بلحاظ اینکه مکررا در موارد گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است نوعی ماهیت آمره بودن یافته است که خود تضمین اجرایی اصول بنیادین دادخواهی است.

## منابع و مأخذ

### -منابع فارسی

دبیری، محمدی، **تکامل اخلاق در پرتو اصول عقاید**، ص ۲۱۲.

فوادیان دامغانی، رمضان، **سیمای عدالت در قرآن**، ص ۲۲.

خلیلیان - خلیل، **نگرشی بر قانون اساسی ج. ۱.۱**، نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۸ ص ۸۳

هاشمی - سید محمد، **تقریرات درسی بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه قانون اساسی ج. ۱.۱**،

انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، اردیبهشت ۸۱ ص ۵

امیر ارجمند - اردشیر، **مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر**، ج ۱، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۸۱ ص ۷۳

آشوری - محمد، **مجموعه مقالات عدالت کیفری**، گنج دانش، چاپ اول سال ۷۶ ص ۱۳۵

مهرپور - حسین، **حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضوع جمهوری اسلامی ایران**، انتشارات اطلاعات، تهران

سال ۱۳۷۴، ج ۱ ص ۱۴۶

ناصرزاده - هوشنگ، **اعلامیه های جهانی حقوق بشر**، چاپ اول تهران، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی سال ۷۲

مجد زاده - غزال، **دادرسی عادلانه مفهوم و سازوکارها**، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی،

سال ۱۳۸۳

موذن زاده - حسنعلی، **حق دفاع متهم**، دیدگاه های حقوقی، شماره ۹، سال ۷۸

طباطبایی موتمنی، منوچهر، **آزادی های عمومی و حقوق بشر**، چاپ اول، تهران، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی

، سال ۷۲ ص ۹۰

یوسف درویشی هویدا، **شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف**، نشر میزان، چاپ اول، پائیز ۱۳۸۸، ص ۱۵.



منوچهر توسلی جهرمی، «نگاهی به شیوه های جایگزین حل اختلاف (ADR) در مقررات جدید اتاق بازرگانی بین المللی»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۶ و ۲۷، سال ۱۳۸۰-۱۳۸۱، صص ۳۶۵ و ۳۶۶.

فریدون نهرینی، آیین دادرسی مدنی، مراجع قضایی و غیرقضایی و حدود صلاحیت آنها، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۳۹۶، ص ۴۵.

بهنام حبیبی درگاه، «مفهوم اصل دسترسی به دادگستری، ویژگی و جلوه های آن»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷، صص ۶۱، ۶۳ و ۶۴.

بهنام حبیبی درگاه، «مفهوم اصل دسترسی به دادگستری، ویژگی و جلوه های آن»، صص ۶۶ تا ۷۳.

ویلیامز ۱۹۸۱. اولین نسخه کتابی اعلامیه جهانی حقوق بشر با مقدمه ای از جیمی کارتر.

ابراهیمی، محمد، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، در: پژوهشکده باقرالعلوم.

#### -منابع عربی

تفسیر نور، محسن قرائتی، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳ ش، چاپ یازدهم

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام ج ۳، صص ۵۶۷-۵۶۸

کتاب القضاء (گلیپایگانی) ج ۱، ص ۳۰۰.

جواهر الکلام ج ۴۰، ص ۳۵.

احکام حقوقی اسلام، ج ۱، صص ۱۷-۱۹.

#### -سایت

<https://www.dadsarayar.com/ghanoon/11053/>